

## بررسی احکام مواد مخدر در منابع شرعی

علی موحدی‌راد<sup>۱</sup>، منصور امیرزاده جیرکلی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت‌حیدریه، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت‌حیدریه، ایران (نویسنده مسؤل)  
amirzadehj@yahoo.com

نویسنده مسؤل: amirzadehj@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹

### چکیده

پیشگیری سوء مصرف و جرائم مواد مخدر، یکی از بزرگترین معضله‌های کشورهای جهان از جمله ایران است. بر اساس آمار موجود، بیش‌تر از نصف زندانیان کشور در ارتباط با مواد مخدر، محبوس هستند. ضرورت دارد مؤثرترین روش‌های ترک اعتیاد و جرایم مواد مخدر در جامعه، بررسی شود. از راه‌های تأثیرگذار در مقوله مواد مخدر، روش دین‌محوری است، چون باورها و نگرش‌های دینی در هنجارها و ناهنجاری‌ها، نزد اکثریت مسلمانان تأثیرگذار هستند، بنا بر این، تبیین دقیق نگاه دینی حکم اعتیاد و مواد مخدر در منابع شرعی (قرآن، روایات، اجماع، و...) می‌تواند در پیشگیری و کنترل آنها مؤثر باشد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی کار شده است، این سؤال را که نگاه دین و شرع به مقوله مواد مخدر و اعتیاد، مثبت است یا منفی؟ آیا حلیت یا حرمت مواد مخدر را می‌توان بر مبنای احکام دینی به دست آورد؟ بررسی خواهیم نمود. خوشبختانه در نتایج حاصل از منابع دینی و اصول کلی قرآنی مثل اصل صیانت نفس، اصل حرمت اسراف و تبذیر، اصل حرمت خبائث، اصل حرمت لغو و بیهودگی و...؛ نیز بر اساس روایات خاص و عام که در مذمت استعمال و خرید و فروش مواد مخدر با تکیه بر اجماع و سیره فقها می‌توان حکم حرمت مواد مخدر را به دست آورد. در این تحقیق، از منابع ارزشمندی مانند تحف العقول حرانی، وسائل الشیعه شیخ حر عاملی، تفسیر التبیان شیخ طوسی، جامع الاحکام قرطبی، کتاب الضار و النافع و تأثیرات المخدرات عبدالطیف یاسین، استفاده شده است.

**کلیدواژه:** اعتیاد، مواد مخدر، حلیت، حرمت.

### مقدمه

مسئله اعتیاد و مواد مخدر در جهان امروز از مسایل مهم اجتماعی است و در بیشتر کشورها به صورت مشکل عمده مطرح شده و کشور ما نیز از این آسیب اجتماعی در امان نمانده است.

در هر روز در گوشه و کنار کشور، شاهد قربانی شدن افرادی در دام اعتیاد هستیم. طبق آمار رسمی تکان دهنده، در سال ۱۳۹۱ حدود ۵۰۰ تن مواد مخدر در کشور کشف و در ۶ ماه نخست ۱۳۹۲ تنها در تهران ۱۲ تن انواع مواد مخدر، کشف شده است (گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، سال ۱۳۹۳). همچنین، هر دقیقه ۲ کیلو مواد مخدر کشف و هر ساعت ۳۰ فروشنده مواد مخدر و معتاد دستگیر می‌شوند. سن مصرف دخیانیات به ۱۲ سال و میانگین سن معتادان حدود ۲۰ سال رسیده است. همچنین آمارها نشان می‌دهند که بیش از ۶۰ درصد جرایم، مرتبط با مواد مخدر بوده و بیش از ۶ میلیون نفر نیز تحت تأثیر این مواد هستند و روزانه ۸ نفر در اثر مصرف مواد مخدر، جان خود را از دست داده و ۷۰ نفر نیز معتاد می‌شوند. با وجود مبارزه مستمر با مواد مخدر در ایران، همچنان شیوع آن سریع است. از دلایل بسیار مهم عدم موفقیت تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مبارزه با مواد مخدر، شاید آن باشد که در جامعه به مسئله مواد مخدر تنها به عنوان یک جرم نگریسته می‌شود و در مبارزه با آن تنها با استفاده از نیروی قهریه تأکید شده است، از این رو، کم‌تر سعی شده تا پیشگیری در اولویت قرار بگیرد.

در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، سعی شده که از ابزار دین و شریعت، جهت پیشگیری از این پدیده شوم استفاده گردد و حکم فقهی (حرمت یا حلیت) مواد مخدر از منابع شرعی به دست آورده شود تا در نتیجه چون بافت مذهبی اکثریت جامعه، مسلمان می‌باشد و نسبت به حلیت و حرمت موضوعات دغدغه‌مند می‌باشند و از طرفی نیز وقتی حکم حرمت این مواد با صداقت اعلام شد زمینه پیشگیری و عدم ورود خیلی از جوانان جامعه اسلامی به این عرصه فراهم خواهد شد.

\*\*\*\*\*

## الف: احکام مواد مخدر از نگاه قرآن

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: ... «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام/۳۸). هر آنچه را که برای سعادت و هدایت شما انسان‌ها لازم بوده است در این کتاب جمع کرده‌ایم و در این راستا چیزی فروگذار ننموده‌ایم، سپس به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند. در جای دیگر می‌فرماید «...لَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام/۵۹). هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در قرآن مبین آمده است. قبل از تبیین آیات قرآن، بیان این نکته ضروری است که بررسی مواد مخدر در قرآن به این معنی نیست که در قرآن کریم، آیه‌ای یا مطلبی تحت این عناوین وجود دارد، بلکه روش قرآن در بیان احکام - جز در مواردی که بنابر اهمیت مسائل با عنوان خاص آن بیان شده است - معمولاً طرح کلیات و تبیین ضوابط و معیارهای کلی می‌باشد تا بتوان موارد و عناوین خاص و جزئی را تحت شمول عنوان عام و کلی قرار داده و حکم آن را استخراج نمود. قرآن کتاب هدایت انسانها و برنامه زندگی آنهاست. اگر قرار بود اسم هر شی و حکم آن در قرآن بیاید، در این صورت قرآن نه کتابی بود که قابل حمل بود و نه در حد حوصله انسانها بود که رجوع به آن داشته باشند و به احکام آن عمل کنند. در ادامه، به طرح عناوین کلی و ذکر آیاتی که در این باره به آنها استناد شده است می‌پردازیم:

## ۱- اصل صیانت نفس:

اصل صیانت نفس از اصول فطری است و اختصاص به انسان ندارد، بلکه هر جاندار برای صیانت و بقای خود تلاش می‌کند. انسان، اگر خود را به هلاکت اندازد و به ورطه نابودی کشاند، بر خلاف فطرت خود عمل کرده است.

آیاتی که بر این اصل، دلالت دارند:

آیه تهلکه: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/ ۱۹۵). با دستان خود، خودتان را به هلاکت نیندازید. در این آیه شریفه، خداوند، نگهداری سلامت نفس را واجب کرده است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در باره این آیه می‌فرماید: «بایدیکم» در آیه مذکور، جنبه تاکید دارد و این کنایه از این است که مسلمانان نباید نیرو و استطاعت خود را هدر دهند چون کلمه دست، به معنای مظهر قدرت است. در نتیجه، آیه شریفه مطلق است و نهی از آن، نهی از تمامی رفتارهای افراطی و تفریطی است (طباطبایی، جلد ۲، ص ۶۴).

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: معنایش آن است که خودتان را به هلاکت نیندازید به اینکه افعالی را که منجر به هلاکت می‌شود، انجام ندهید و تهلکه در حقیقت، قرار دادن شیء در جهت سقوط و سراسیمگی است (طوسی، ۱۴۰۹، بی‌جا، ج ۲).

در تفسیر احسن الحدیث در خصوص فقره (لا تلتقوا) بیان شده: یک قاعده کلی است که انسان نمی‌تواند بدن و مالش را به تهلکه اندازد و در راههایی که نه نفع دنیا دارد و نه نفع آخرت، اسباب درد سر و گرفتاری برای خویش فراهم آورد (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵۷).

وجه استناد آیه فوق به حرمت استعمال مواد مخدر، این است که به هلاکت انداختن نفس، کاری حرام و منہی‌عنه و استعمال مواد مخدر با زیانهای مسلم آن، از مصادیق به هلاکت انداختن نفس می‌باشد فلذا عمل فوق، بنا بر نهی آیه فوق، حرام می‌باشد زیرا ضررهای ناشی از مواد مخدر امروزه بر کسی پوشیده نیست و علوم پزشکی ضررهای آنرا امروزه ثابت کرده و ضررهای مواد مخدر گاهی تا مرز جنون و دیوانگی و مرگ پیش می‌رود. آیا اعتیاد به مواد مخدر، قدم گذاردن در راهی نیست که نتیجه‌اش هلاکت و نابودی است؟

آیه قتل: «... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء / ۲۹). هرگز دست به خودکشی زنید همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره این آیه می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» جمله‌ای است مطلق که هم شامل قتل نفس و هم شامل انتحار می‌شود که به معنای خودکشی است و هم شامل قتل نفس و کشتن غیر. می‌توان از ذیل آیه که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» استفاده کرد که مراد از نفس که از آن نهی شده، معنایی است عام‌تر به طوری که شامل به خطر انداختن خویشتن هم می‌گردد و خلاصه، کاری کند که منجر به کشته شدنش می‌گردد (همان، ج ۴ ص ۳۲۰).

در تفسیر جامع البیان آمده است که بعضی شما بعضی دیگر را نکشد و شما اهل ملت واحد و دین واحد هستید (طبری، ۱۴۱۵، ج ۵ ص ۵۰) و قرطبی در تفسیرش بر معنای ذکر شده، ادعای اجماع نموده است (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵ ص ۱۵۶).

در تفسیر احسن الحدیث، از «لا تقتلوا»، این چنین برداشت شده است: جامعه توحیدی به منزله یک پیکر است، و در این جامعه، کشتن دیگران در حکم کشتن خویش است، لذا قتل دیگران، قتل خود انسان شناخته شده است (قرشی، ج ۲، ص ۳۴۸).

در تفسیر اطمینان البیان در خصوص فقره لا تقتلوا انفسکم، گفته شده قتل نفس نکنید، چه نفس خود که عبارت از خودکشی باشد، چه به مباشرت یا تسبیب که القاء نفس باشد در تهلکه یا مقاتله با جماعتی که قوه دفع آنها را ندارد، و خود را در معرض هلاکت در می‌آورد (طیب، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۶۱).

وجه استناد به این آیه در باب حرمت استعمال مواد مخدر، همچون آیه قبل می‌باشد زیرا قتل نفس که مورد نهی قرار گرفته است، اطلاق دارد و شامل هر قتلی می‌شود خواه قتل نفس دفعه واحده باشد خواه قتل نفس تدریجی باشد و همان‌طور که قبلاً بیان شد استعمال بسیاری از مواد مخدر می‌تواند سرانجام به مرگ انسان بینجامد که در این صورت مشمول نهی آیه قرار می‌گیرد.

## ۲- اصل حرمت اسراف و تبذیر:

در قرآن کریم، آیات بسیاری در حرمت و نکوهش عمل اسراف و تبذیر وجود دارد که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم: «وَاتِ ذُلُقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ لَا تَبْذِرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسرا/۲۷ و ۲۶). حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن و هرگز اسراف و تبذیر نکن زیرا مسرفان برادران شیطانند و شیطان به پروردگارش ناسپاس است. در مفردات راغب ذیل عنوان «بذر»، آمده است: «تبذیر یعنی پاشیدن و اصل آن یعنی ریختن و پاشیدن دانه است و سپس معنا مستعار شده است برای هر آنکه مال خود را ضایع و تباه سازد (راغب اصفهانی، ص ۴۰).

در تفسیر المیزان، ذیل این آیه، بعد از بیان نظر مرحوم طبرسی آمده است: «قول خداوند «ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين»، تعلیل است برای نهی از تبذیر، و معنایش این است که اسراف نکن، زیرا اگر اسراف کنی، از مبذّرین، خواهی بود و مبذّرین، برادران شیاطین هستند. وجه برادری مبذّرین و اسراف‌کاران با شیاطین این است که اسراف‌کاران و شیطان، از نظر سنخیت و ملازمت مانند دو برادر مهربان هستند که همیشه با هم هستند و ریشه و اصلشان هم یک پدر و مادر است» (طباطبایی، ص ۸۲-۸۱).

شیخ طبرسی می‌گوید: تبذیر به معنای تفریق و پراکنده ساختن ثروت است، بسان افشاندن بذر در راه نادرست و ظالمانه، و تبذیر اختصاص دارد به آنچه بر سبیل افساد باشد و آنچه که بر وجه اصلاح باشد تبذیر نامیده نمی‌شود و اگر چه زیاد باشد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۴۲). در تفسیر لاهیجی آمده است: ... محمد بن مسعود عیاشی از محمد بن حجاج روایت کرده است که من از امام صادق (ع) از تفسیر آیه «و لا تبذر تبذیراً»، سوال کردم، حضرت فرمود: «من انفق شيئاً في غير طاعة الله فهو مبذر و من انفق في سبيل الله فهو مقتصد» یعنی مراد از تبذیر، انفاق و اعطای مال در غیر طاعت خدای متعال است و اقتصاد و اعتدال، انفاق مال است در طاعت خدا و در راه او (شریف لاهیجی، جلد ۲، ص ۷۹۰). در تفسیر اطيّب البیان آمده است، تبذیر صرف مال است در غیر عقلانی و غیر مصارف شرعی مثل صرف در معاصی و لهویات ... (طیب، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۲۴۰).

وجه استناد به این آیه این است که به حکم این آیه، اسراف و تبذیر مورد نهی الهی قرار گرفته است و در ادامه اسراف‌کنندگان برادران شیطان معرفی شده‌اند و اینها خود دلیلی بر حرمت اسراف و تبذیر می‌نماید. معنای تبذیر هم که بیان شد که بسیاری از مفسران گفته‌اند که معنای آن صرف مال است در معصیت خدا، صرف مال است در غیر راه حق و صرف مال است در غیر موارد عقلانی و غیره. قطعاً صرف مال در راه خرید و فروش، تولید و مصرف مواد مخدر، صرف مال در راه غیر حق، در موارد غیر عقلانی و در راه معصیت خدا می‌باشد و بنابراین، مشمول نهی آیه کریمه می‌گردد. اگر بخواهیم دلالت این آیه کریمه را بر حرمت مصرف، خرید و فروش مواد مخدر به صورت یک قیاس منطقی بیان کنیم، به شرح ذیل است: مقدمه اول: مصرف مواد مخدر، صرف مال در راه غیر حق، در راه معصیت و در مورد غیر مصرف عقلانی می‌باشد. مقدمه دوم: صرف مال در راه غیر حق، در راه معصیت خداوند و مورد غیر عقلانی به حکم آیات مذکور، حرام است. نتیجه: صرف مال در راه مصرف مواد مخدر، حرام و منهی‌عنه است.

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱). ای فرزندان آدم به هنگام عبادت لباس‌های شایسته به خود برگیرید، و نیز بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.

مورد بحث ما قسمت دوم آیه شریفه "كلوا واشربوا و لا تسرفوا انه لا يحب المسرفين" می‌باشد. طبرسی در مجمع‌البیان می‌فرماید: (كلوا و اشربوا) صورت امر است و مراد از آن اباحه می‌باشد و آن در جمیع مباحات، عمومیت دارد. (و لا تسرفوا) یعنی از حلال به سوی حرام تجاوز نکنید... (طبرسی، ج ۴، ص ۲۴۴). در مفردات راغب، ذیل ماده سرف آمده است: سرف، تجاوز از حد است در هر فعلی که انسان انجام دهد و اگر چه این کار در انفاق مشهورتر است. اسراف گاهی به اعتبار مقدار است و گاهی به اعتبار کیفیت. بدان خاطر گفته شده آنچه در غیر طاعت خدا انفاق شود آن اسراف است و اگر چه اندک باشد، خداوند می‌فرماید: ولا تسرفوا انه لا يحب المسرفين) یعنی کسانی که در امورشان از حد تجاوز می‌کنند (راغب اصفهانی، ص ۲۳۰).

وجه استناد این آیه، همچون آیه قبل برای حرمت استعمال مواد مخدر به این است که اسراف امری ناپسند، منهی‌عنه و حرام می‌باشد که خداوند هم از اسراف‌کاران بیزار است و از جمله مصادیق اسراف، صرف مال در راه تولید، تحصیل و استعمال مواد مخدر می‌باشد که هزینه‌های گزاف مصرف کننده مواد مخدر و هزینه‌های حکومت اعم از مادی و معنوی که در امر مبارزه با مواد مخدر پرداخت می‌شود را شامل می‌شود. بنا بر این افرادی که در تهیه این مواد دخالت دارند، در زمره اسراف‌کاران می‌باشند.

## ۳. اصل حرمت خبائث:

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که در آن به حرمت خبائث و حلیت طبیبات تصریح شده است. به عبارت دیگر، ملاک قرآن کریم در حلیت یا حرمت اشیاء، طیب یا خبیث بودن آنها می باشد از جمله آیه ذیل:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ...» (اعراف، ۱۵۷) آنان که از این رسول، پیروی می کنند پیامبر امی که صفاتش در تورات و انجیل که در اختیار دارند، آمده است که آنان را به کار خوب فرمان می دهد و از زشتی ها بازشان می دارد و پاکیزه ها را برایشان حلال و پلیدی ها را برایشان حرام می شمرد.

مورد بحث ما تنها آن فراز از آیه می باشد که می فرماید: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ». در مفردات راغب و در ذیل ماده خبث، آمده است: خبث و خبیث آن چیزی است که نفس از آن کراهت دارد به واسطه پستی و پلیدی آن، چه این پستی محسوس باشد چه معقول (راغب اصفهانی، ص ۱۴۱).

در تفسیر مجمع البیان آمده است: معنای " و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث " آن است که مباح گردانیده مستلذات نیکو را و حرام نموده بر آنان زشتی ها را و آنچه نفوس نپسندند. و گفته شده برای آنان حلال گردانید آنچه را از راه طیب و نیکو به دست آورند و حرام نمود بر آنان آنچه را بر وجه خبث به دست آورند. (طبرسی، ج ۴، ص ۳۷۳).

وجه استناد به آیه فوق، آن است که با بررسی مصادیق خبیث و خبایث و موارد استعمال این کلمه، می توان به ضابطه ای عمومی دست یافت و آن اینکه خبایث به اموری ناپسند گفته می شود که مورد تنفر و اشمئزاز نفس می باشد و علت تنفر، این است که انسان، آن را را به حال خود زیان آور و مضر می داند. بنابر این مواد مخدر که ضرر و زیان آوری آن نسبت به جسم و جان انسان، مسلم و ثابت شده است می تواند از مصادیق خبائث باشد که در آیه، حرمت آن اعلام گردیده است.

#### ۴. اصل حرمت تبدیل نعمت به نعمت

مفسران برای اثبات حرمت تبدیل نعمت به بلا و نعمت، به آیه ذیل استناد کرده اند. «سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَيْفَ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره، ۲۱۱). از بنی اسرائیل بپرس چه نشانه های واضحی به آنها دادیم. هر کس نعمتی را که خدا به او داده دگرگون سازد، بی تردید عقوبت خدا سخت است.

در تفسیر المیزان در بیان این آیه، آمده است: بنی اسرائیل کلام را از مواضع آن تحریف نمودند و در قبال خدا و کتاب و آیاتش، اموری را از پیش خود وضع کردند و با این که وظایفشان را می دانستند از حدود خودشان تجاوز نمودند. پس خداوند آنان را با شدیدترین کیفرها، مجازات نمود، جمعیتشان پراکنده شد، سیادتشان زوال پذیرفت، خوشبختی و سعادتشان به باد فنا رفت. در دنیا به خواری و گدایی افتادند و رسوایی عذاب آخرتشان بسی بالاتر است. و این، همان سنت جاری از سوی خداوند سبحان است کسی که نعمت ما را تبدیل به نعمت کند و آن را به سوی غیرمجاری آن خارج نماید، خداوند او را عقاب می دهد و خداوند شدید العقاب است... (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۱۰).

در تفسیر قرطبی نیز آمده است: قول خداوند (و من یبدل نعمة الله من بعد ما جاءته) لفظ عام است برای تمام عمومیتش (لجميع العامة) و اگر چه مشارالیه، بنی اسرائیل است ولی لفظ از معنای اولش «انصراف» دارد به هر دگرگون کننده نعمت خدا (قرطبی، ج ۲، ص ۲۸).

طبق آیه کریمه، تبدیل نعمت به بلا و نعمت، از بزرگترین گناهان بوده که عذاب دردناک الهی را در پی خواهد داشت. این مساله در مورد مواد مخدر هم صدق می کند، چرا که وقتی می شود با استفاده صحیح از آن در جهت منافع محلله آن و ساختن دارو، جان افراد را از مرگ و بیماریها نجات بخشید، استفاده از آن در جهت ناصواب، نمونه ای آشکار از مصادیق آیه شریفه خواهد بود و معتادانی که نعمت سلامتی، رفاه، امنیت و... را به خطر می اندازند و آن را تبدیل به نعمت و بلا می کنند مشمول این آیه، خواهند بود.

#### ۵. اصل حرمت لغو و بیهودگی:

محققان و صاحب نظران برای اثبات حرمت لغو و بیهودگی به آیه زیر، استناد می نمایند.

آیه: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (فرقان/ ۷۲). کسانی که بناحق شهادت نمی دهند و هرگاه به عمل لغوی بگذرند بزرگوارانه از کنار آن در گذرند.

در تفسیر المیزان آمده است: قول خداوند (والذین لا یشهدون الزور) اگر مراد از زور، کذب باشد آن جانشین مفعول مطلق می باشد و تقدیر آن چنین است: لایشهدون شهادة الزور، و اگر مراد از لغو، باطل است همچون عناد و مانند آن، مفعول به می باشد و معنی آن چنین است که آنان در مجالس باطل حاضر نمی شوند، ذیل آیه مناسب معنای دوم است و قول خداوند (و اذا مروا باللغو مروا کراما) لغو، آن چیزی از افعال و اقوال است که مورد اعتنا نباشد (به آن اهمیت داده نمی شود) به خاطر عدم اشتغال آن بر غرض عقلایی - همان طور که گفته شده - تمام گناهان را، در بر می گیرد و مراد از مرور، به لغو گذر کردن بر اهل لغو می باشد در حالی که آنان به لغو مشغولند از آنها روی می گردانند در حالی که خود را از داخل شدن در جمع آنها و اختلاط با آنها و مجالست آنها، منزّه و برکنار می دارند (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۲۴۴).

در تفسیر جامع البیان آمده است: اهل تأویل در معنای زور که خداوند، این گروه را به آن توصیف نموده که آنان، آن را شهادت نمی‌دهند، اختلاف کرده‌اند. درست‌ترین اقوال در تأویل آن، این است که گفته شود مراد از زور، باطل است و کسانی که به چیزی از باطل شهادت نمی‌دهند، نه شرک و نه غنا و نه کذب و نه غیر آن، و تمام آنچه که از اسم زور لازم می‌آید، زیرا خداوند در وصفش، آنها را داخل تحت عنوان عام نموده است که آنان شهادت زور نمی‌دهند، پس شایسته نیست که آن را به چیزی خاص، اختصاص دهد مگر با وجود دلیلی که واجب است به آن دلیل تسلیم شده. دلیل خداوند: (و اذا مروا باللغو مروا کراما) اهل تأویل در معنای لغوی که در این موضع ذکر شده است... (طبری، ج ۱۹، ص ۶۲).

در تفسیر قرطبی نیز آمده است: قوله تعالی: (والذین لا یشهدون الزور) یعنی حاضر نمی‌نمایند کذب و باطل را و نه اینکه آن را مشاهده نمی‌کنند و زور، تمام باطل، دروغ و زخرف است و بزرگترین آن هم شرک و نیز تعظیم امثال می‌باشد... و قول خداوند: (و اذا مروا باللغو مروا کراما) و آن عبارت است از قول یا فعل بی‌فایده، و غنا و لهو و غیر آن، از آنچه نزدیک به اینهاست... (قرطبی، ج ۱۳، ص ۷۹-۸۰).

همان‌طور که ملاحظه گردید، کلمه زور، عمومیت و کلیت دارد و شامل تمام انواع گناهان و اعمال ناپسند می‌شود که از جمله این اعمال ناپسند، مواردی از قبیل عمل تولید، خرید و فروش، پخش و توزیع و نیز استعمال مواد مخدر می‌باشد و به فرض، اگر معتقد باشیم که معنای کلمه زور، شامل این اعمال نمی‌باشد، بطور قطع، استعمال مواد مخدر تحت معنای لغو داخل است، چون همان‌گونه که مفسران بیان داشته‌اند، لغو عملی است که در آن فایده عقلایی نباشد و بیشتر روشن گردید که مواد مخدر نه تنها هیچ فایده عقلایی ندارد بلکه خود منبع زیانهای بسیار می‌باشد.

#### ۶. اصل حرمت خمر:

چند آیه در قرآن وجود دارد که در آنها حکم شرب خمر بیان شده است. برای اثبات حکم حرمت مواد مخدر، با ذکر این آیات به بررسی آنها می‌پردازیم: «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا...» (بقره، ۲۱۸). در باره (حکم) شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو در هر دو گناه بزرگی است و سودهایی هم برای مردم دارد اما گناهشان بزرگتر از سودشان است...

در مفردات راغب، در ذیل ماده خمر آمده است: اصل خمر به معنای پوشش شیء می‌باشد و به آنچه که بدان وسیله چیزی را بپوشانند خمار (پوشش) گفته می‌شود، اما خمار به معنی روسری مقنعه- چیزی که زن بدان وسیله سرش را می‌پوشاند نیز می‌باشد. جمع آن خمر است (راغب اصفهانی، ص ۱۵). در تفسیر المیزان آمده: قول خداوند: (یسالونک عن الخمر و المیسر)، خمر بنا بر آن چه از لغت استفاده می‌شود نام هر مایعی که برای سکر و مستی شناخته شده، می‌باشد و معنی اصلی آن، پوشاندن و مستور کردن است، و خمر نامیده شده چون عقل را می‌پوشاند و نمی‌گذارد که بین حسن و قبح و خیر و شر، تفاوت قائل شود... (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۵)، (با تلخیص).

در تفسیر اثنی عشر آمده است: مراد از خمر عبارت است از هر چیزی که عقل انسان را مستور نماید و خرید و فروش و استعمال آن حرام می‌باشد... مانند شراب یا مانند بنگ، و سوخته تریاک (حسینی شاه عبدالعظیمی، ص ۳۸۹). از این جهت می‌توان برای استنباط حکم مواد مخدر به آیه فوق استناد نمود. برخی از فقهای گذشته و معاصر و نیز مفسران انواعی از مواد مخدر را جزو خمر و مسکرات دانسته‌اند که بنا بر این حکم حرمت خمر در مورد آنها هم صدق می‌نماید.

«یا ایها الذین آمنوا ائما الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون.» (مائده / ۹۰).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت و تیرهای قرعه، پلید و عمل شیطان است از آن دوری کنید تا رستگار شوید.

وجه استناد به این آیه، همانند آیه قبل است با این توضیح که اگر ما قائل شویم که انواعی از مواد مخدر در تحت عنوان خمر و مسکر داخل‌اند- همان‌طور که برخی از فقها و مفسران بیان نموده‌اند از جمله: آیه... محمد باقر صدر در الفتاوی الواضحه ج ۱ ص ۳۱۷ و محمد جواد مغنیه در کتاب فقه الامام جعفر الصادق ج ۱ ص ۲۹ و آیت الله سیدحسن موسوی بجنوردی در کتاب القواعد الفقهیه ج ۵ ص ۲۶۲، لذا طبق این آیه شریفه، رجس و عمل شیطان، در نهایت، حرام خواهد بود.

«ائما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوة فهل انتم منتهون» (مائده / ۹۱). شیطان

می‌خواهد با شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا خودداری خواهید کرد؟

به این آیه شریفه هم می‌توان از این جهت استناد کرد که: اگر مواد مخدر، جزء خمر باشد تحت حکم حرمت آن هم داخل خواهد بود.

\*\*\*\*\*

#### ب: احکام مواد مخدر از نگاه روایات

در وجود مواد مخدر و فراوانی آن در زمان رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام)، تردید وجود دارد. اگر نوعی وجود داشته استفاده گسترده از آن نمی‌شده است و فقط برای التیام و درمان برخی دردها به کار می‌رفته است، مثلاً روایتی وجود دارد که «لفظ تریاق یا دریاق» در آنها بکار رفته است ولی مقصود از اینها، پادزهر و دوائی است که در گذشته برای از بین بردن اثرات مسموم، مصرف می‌کردند. گرچه در برخی روایات به طور صریح از مواد مخدر و حتی نوع آن، نام برده شده ولی در برخی هم بطور کلی از هرچه که باعث ضرر به انسان می‌گردد، نهی شده است و در پاره‌ای از روایات هم تمامی مسکرات را تحریم نموده‌اند. اینک برخی از روایات که در کتب روایی شیعه و اهل سنت آمده است به عنوان نمونه اشاره می‌شود.

## ۱- روایات خاص:

- ۱) پیامبر (ص) فرمودند: زمانی بر امت من خواهد آمد که افرادی ماده‌ای را به نام بنگ می‌خورند و من از ایشان بیزارم و آنها بری می‌جویند از من<sup>۱</sup> (نوری، ج ۳، ص ۱۴۵).
- ۲) پیامبر (ص): فرمودند: کسی که گناه مصرف بنگ را کوچک بشمارد در حقیقت کافر شده است<sup>۲</sup> (همان).
- ۳) پیامبر اسلام (ص) فرمودند: به یهودیان و مسیحیان سلام کنید اما هرگز به مصرف‌کنندگان بنگ، سلام نکنید<sup>۳</sup> (همان).
- ۴) ابن عباس، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَقَلَ می‌کند که آن حضرت فرمود: جایگاه اصلی این بوته‌ها در هند است. استعمال آن موجب زایش تخیلات و اندیشه‌های شیطانی در شخص است. هر کس از آن بخورد و استعمال کند از آدمیت بری و برکنار می‌شود و هر کس از آدمیت بری و برکنار گردید از من نیز بری و به دور و برکنار است.<sup>۴</sup> (العالمی، چاپ بیروت، ص ۱۵۸).
- ۵- پیامبر (ص) فرمود: بپرهیز از حشیش که حشیش خمر و نوعی شراب مست‌کننده اقوام عجم است (یعنی مردم هند و دیگر اقوام غیر عرب) و حیاء و شرم را از دیدگان می‌برد و شخص را به هنگام مرگ بی‌ایمان از دنیا خارج می‌سازد<sup>۵</sup> (همان).
- ۶- عده ای از رسول خدا روایت کرده‌اند که ما وقتی وارد خانه اهل یمن می‌شویم برای ما شرابی می‌آورند که از دانه ذرت تخمیر و ساخته شده است. رسول خدا پرسید آیا مست‌کننده است؟ جواب دادند: سست‌کننده است. پس رسول خدا فرمود: تمام سستی‌آورها و مواد مخدر، بر امت من حرام است<sup>۶</sup> (عبدالطیف یاسین، ۱۹۹۳م. ص ۱۴۶).
- ۷- روایت شده است از ام سلمه که می‌گوید پیامبر (ص) نهی فرمودند از هر سست‌کننده و مخدر<sup>۷</sup> (همان).

## ۲- روایات عام

- ۱- پیامبر مکرم اسلام می‌فرمایند: جایز نمی‌باشد ضرر رساندن به خود و دیگران. احکام اسلام همواره مبتنی بر "افزایش خیر و مزید نفع بر فرد و جمع مسلمین است و نه افزایش و تولید شر و نکبت و بدی بر آنها"<sup>۸</sup>. (حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۶۷).
- این روایت از قدیم مورد توجه ویژه فقها و عالمان اسلامی بوده و تا آنجا در فقه مورد توجه است که از آن به عنوان «قاعده لاضرر»، یاد می‌شود و فروع فقهی فراوانی از آن استنباط می‌گردد. این حدیث، حرام بودن تمامی امور مضر و اشیاء و اعمال مضر را بیان می‌دارد که از جمله مصادیق روشن آن، حرام بودن استعمال مواد مخدر است.
- این مواد سمی زینبار و سکرآور و رخت و ضعف آور و مضر برای بدن و اعصاب و روان و موجب ضررهای عظیم مالی، شخصی، خانوادگی، اجتماعی و ضررهایی که بر استعمال این مواد و دخانیات از جهت معالجات سرطانی و دیگر امراض و ضرر خرید داروها و صرف آن و وارد کردن آنها از خارج و ضرر خارج کردن ارز برای خرید و ضرر اقدامات پلیسی و انتظامی در تحمل خسارات جانی و مالی در مقابله با سودگران مرگ... می‌کند در مضر بودن آن تردیدی نیست و مشمول بیان رسول‌الله (ص) و حدیث لاضرر است.
- ۲- از حضرت امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمودند: خداوند (عز و جل) شراب را به خاطر نامش تحریم ننموده است بلکه به خاطر زیانها و عواقب ضرر بارش، حرام دانسته است پس هر چیز دیگری غیر از شراب که دارای همان آثار و نتایج باشد در واقع شراب محسوب می‌شود<sup>۹</sup> (همان، ص ۲۷۳).
- ۳- روایت امام صادق علیه السلام: درباره حلال و حرام از گیاهان و نباتات می‌فرمایند (بحرانی، ص ۳۲۷) اما آنچه که مصرف و خوردن آن از مواد و محصولات ارضی برای انسان حلال است، به سه قسم می‌باشند:

۱ - عن النبي (ص) انه قال: سيأتي زمان علي امتي ياكلون شيئاً اسمه البنج انا بري منهم و هم بريئون مني.

۲ - رسول (ص): من احتقر ذنب البنج فقد كفر.

۳ - عن النبي (ص) سلموا علي اليهود و الانصاري و لا تسلموا علي اكل البنج.

۴ - عن ابن عباس عن النبي (ص) : اول ما نظر هذه الشجرة في بلاد الهند يتولد منها حكمه الشيطانية فمن اكل منها فقد بري من آدم و من بري من آدم فقد بري مني.

۵ - قال النبي (ص): اياكم و الحشيش فان الحشيش خمر العجم يسلب الحياة من العين و يسلب الايمان عند الموت.

۶ - روي جماعه عن الرسول انا نرد البيوت اهل اليمن فيقدمون لنا البنج و شراب اختمر و صنع من حب الدرّه، فقال الرسول عليه السلام، أمسك هو، قالوا مفتر، قال الرسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): حرام علي امتي كل مفتر و مخدر.

۷ - و قد روت ام سلمه رضي الله عنها قالت: نهى رسول الله عليه و آله: عن كلِّ مُفْتِرٍ و مخدر

۸ - عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لاضرر و لا ضرار في الاسلام فالاسلام يزيد المسلم خيراً و لا يزيد شرّاً.

۹ - قال (ع): ان الله عزوجل لم يحرم الخمر لاسمها و لكن حرمها لعاقبتها فما كان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر.

قسم اول: نوعی از آنها تمام انواع حبوبات و دانه‌ها هستند از گندم و جو و برنج و... که تمامی این دانه‌ها و حبوب آنچه که جنبه غذایی برای آدمیان داشته باشد و خوراکی آدمی باشد همه آنها خوردنشان حلال است و هر چیزی از حبوبات و دانه‌ها که به نوعی ضرر برای انسان داشته باشد، خوردن و صرف آنها حرام است.

قسم دوم: محصولات زمینی انواع گوناگون سردرختی‌ها و سربوته‌ها و ثمره‌سپایی که از درخت‌ها و درختچه‌ها و بوته‌ها به دست می‌آید و هر آنچه که غذای بدن آدمی و خوراک او باشد، خوردن آنها حلال است و هر آنچه که ضرر در آنها برای اعضای پیکر آدمی باشد حرام است.

قسم سوم: تمامی انواع گیاهان و روئیدنی‌ها و سبزیجات می‌باشند، و هر چه از زمین می‌روید از انواع بقولات و سبزیجات و گیاهان - آنچه که در آنها منفعت‌های گوناگون برای آدمی داشته و جنبه غذایی داشته باشد، خوردن و صرف آن حلال است و آنچه از انواع گوناگون گیاهان و سبزیجات و روئیدنی‌ها که در آن ضرر برای انسان باشد، در خوردن و استعمال آن مانند گیاهان سمی و روئیدنی‌های خطرناک و مهلک نظیر دلفی و غیر اینها از انواع گیاهان و روئیدنی‌ها سمی و مهلک - همه اینها خوردن و استعمال آن، حرام است.

\*\*\*\*\*

### ج- اجماع فقها و علما بر حرمت مواد مخدر :

ابتدا مختصری در باره آن توضیح می‌دهیم: اجماع، در لغت یعنی گرد آمدن، اتفاق کردن بر کاری، متفق شدن، و... (معین، ۱۳۷۵، چاپ نهم)، ج ۱، ص (۱۵۱). و برای آن تعاریف مختلفی ذکر شده است از جمله اتفاق نظر فقهای مسلمان بر حکم شرعی یا اتفاق نظر اهل حل و عقد مسلمین بر حکم شرعی یا اتفاق امت محمد (ص) بر حکم شرعی. (مظفر، ۱۴۲۲، ص ۲۵۱).

فقهای شیعه وقتی اجماع را حجت می‌دانند که کاشف از رای معصوم (ع) باشد (همان) و برای رسیدن به آن، همه راه‌های مختلفی را بیان کرده‌اند که در نتیجه آن انواعی از اجماع به وجود آمده است مثلاً اجماع حسی، اجماع لطفی، اجماع حدسی و... که توضیح بیشتر هر کدام از حوصله این رساله خارج است. در میان فقهای شیعه، کسی قائل به حلال بودن استعمال این مواد، نشده است و تمام فقها در حرمت استعمال مواد اتفاق نظر دارند، اگرچه در دلایل این حکم، ممکن است اختلاف نظر هم داشته باشند. بسیاری، دلیل حرمت را زبان‌آور بودن آن دانسته‌اند، گروهی آن را به خمر ملحق نموده و حکم حرمت خمر را از باب تنقیح مناط و وجوب علت حکم، بر این مواد هم بار نموده‌اند و از این موارد.

همچنین فقهای اهل سنت نیز حکم بر حرمت آن داده‌اند و فقط معدود کسانی بودند که حکم به اباحه بعضی از این مواد، داده‌اند که آن هم قابل توجیه است مثل آنکه این گروه از فقها به مضرات و زیان‌های این مواد افیونی به طور کامل پی نبرده و به دلیل اصل اباحه، حکم به اباحه داده‌اند یا جهت درمان و تداوی یا استفاده عقلانی از منافع آن، آن مواد را مباح دانسته‌اند... البته همین گروه از فقها تصریح نموده‌اند وقتی استعمال این مواد باعث آسیب و زیان بدن و عقل شود، حرام می‌باشد که با در نظر گرفتن مطالبی که بیان شده است، نباید در زبان‌آور بودن این مواد، شک و تردید داشت.

و نیز بعضی از فقها در بیان دلایل خود، به اتفاق نظر و اجماع مسلمانان بر حرمت این مواد، استناد نموده‌اند، که این مورد در بین فقهای اهل سنت بیشتر یافت می‌شود برای مثال ابن تیمیه از فقهای بزرگ اهل سنت بیان نموده که ششیش مستی‌آور و مسکر، به اتفاق تمام مسلمانان حرام است (ابن تیمیه، ج ۴، ص ۲۶۶) فلذا از این طریق، می‌توان به اجماع منقول بر حرمت استعمال این مواد استدلال نمود.

نتیجه آن که، فقهای اسلامی، دست کم در حرمت استفاده از مواد مخدر در غیر موارد عقلایی آن مانند درمان و نیز هنگامی که برای بدن و عقل ضرر داشته باشد، اختلاف نظری ندارند.

\*\*\*\*\*

### د- سیره و بنای عقلا

بنای عقلا را چنین تعریف نموده‌اند: «روش عموم مردم در مسائل مختلف و روزمره زندگی، به عبارت دیگر: در برخی امور، مردم از ملیت‌های مختلف و در زمان‌های مختلف، بر روش واحدی توجه و اعتماد می‌کنند که از آن بر بنای عقلا، تعبیر می‌کنند و پایه و اساس روابط مردم در ابعاد مختلف زندگی آنها می‌باشد...» (مظفر، ۱۴۲۲، قم ص ۴۰۵).

مرحوم مظفر، سیره را چنین تعریف کرده است: «منظور از سیره - همان‌طور که واضح است - استمرار عادت مردم و بنای عملی آنها بر انجام دادن یک چیز یا ترک آن می‌باشد و منظور از مردم، یا تمام عقلا و عرف عام از هر ملت و مذهبی می‌باشد که مسلمان و غیر مسلمان را در بر می‌گیرد، در این صورت سیره عقلایی نامیده می‌شود... یا تمام مسلمانان بماهم مسلمون، می‌باشد یا فقط اهل مذهب خاصی از مسلمانان مانند امامیه مثلاً و در این صورت، سیره منتشره یا سیره شرعیه یا سیره اسلامی نامیده می‌شود.» (همان).

در مورد بحث نیز، بعضی از پژوهشگران (حسینی، مقاله: نگاهی اجمالی به دلایل حرمت استعمال مواد مخدر، ص ۲۰) نیز گفته‌اند که سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر است و این سیره از طرف شارع مقدس، رد نشده است و در نتیجه حجیت دارد باید بر اساس آن از مواد مخدر اجتناب کرد. این سخن گرچه در بدو امر، دور از ذهن به نظر می‌رسد ولی با اندکی دقت و کاوش، می‌توان به صحت آن پی برد. در اینکه عقلای عالم از هر ملت و نژاد و دین و آیین، مصرف مواد مخدر را امری ناپسند به شمار می‌آورند، همیشه سعی در پرهیز از آن می‌نمایند، امری است که نباید در آن شک

کرد، حتی کسانی که خود گرفتار این پدیده شوم می‌باشند و گرد اعتیاد بر دامان آنها نشسته است، خود اقرار و اعتراف دارند که مرتکب کاری ناپسند شده و از نظر عقلی بایستی از این مواد پرهیز نمایند.

شاید اشکال شود که سیره عقلا هنگامی حجیت دارد که مورد تأیید شارع قرا گرفته باشد یا حداقل، ردعی از شارع در آن باب نرسیده باشد و در مورد مواد مخدر به علت فقدان موضوعیت آن در عصر شارع، چنین چیزی امکان ندارد، در جواب می‌گوییم:

اولاً: این ادعا که باید تمام سیره‌های عقلایی متصل به عصر شارع بوده و به تأییدشان رسیده باشد تا حجت باشد، به دیده تردید، بدان می‌نگریم. برخی از فقها و بزرگان (آشتیانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۱)، معتقدند که حجیت سیره عقلا، ذاتی می‌باشد و نیازی به تأیید یا عدم ردع شارع ندارد، و علاوه بر آن به عقیده برخی از فقها، (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، بی‌جا، المجلدات ۲، ج ۱، ص ۱۷۱)، سیره‌هایی وجود دارند که شارع مقدس نمی‌تواند آنرا ردع نماید چون اگر شارع این سیره‌ها را ردع و منع نماید، اولاً موجب اختلال نظام خواهد شد که می‌توان گفت از جمله این سیره‌ها، روش عقلا بر پرهیز از مواد فسادآور و مضر و مخدر می‌باشد که اگر به فرض گفته شود این روش عقلا مورد تأیید شارع مقدس نیست، نتیجه آن گسترش روزافزون این مواد خانمان‌سوز و به تباهی کشیده شدن جوامع بشری و به عبارتی موجب اختلال نظام زندگی، خواهد شد.

ثانیاً: درست است که بسیاری از انواع مواد مخدر به شکل امروزی آنها در زمان شارع مقدس وجود نداشته است ولی موارد خاصی از این موارد همچون بنگ و حشیش در زمان شارع موجود بوده است و شارع مقدس نه تنها روش عقلای عالم را بر پرهیز و اجتناب از این مواد، ردع و منعی ننموده، بلکه خود نیز به عنوان یکی از عقلا و بلکه عاقلترین آنها و خالق عقلای عالم، با آنان همراه شده و از مصرف این مواد منع و نهی نموده است که در مباحث گذشته بدان اشاره شد.

ثالثاً: آیا می‌توان باور نمود در حالی که تمام عقلای دنیا، بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر اجماع و اتفاق نظر دارند و فساد و زیان‌های بی‌شمار این مواد به علم و تجربه بر همگان آشکار گردیده است، در این صورت، شارع مقدس اسلام، در مقابل این اجماع و اتفاق نظر عقلا، موضع گرفته و برخلاف آن، حکم به اباحه استعمال این مواد دهد؟ آیا می‌شود با این اشکال که این سیره، متصل به زمان شارع نمی‌باشد، از آن دست کشید؟

\*\*\*\*\*

## هـ - تنقیح مناط قطعی حرمت مسکرات

تنقیح در لغت، پیراستن و پاک کردن است. گفته می‌شود: کلام منقح، یعنی کلامی که اضافه و زیادی در آن نیست. تنقیح مناط نزد اصولیان، یعنی الحاق فرع به اصل، با الغای فرق بین آنها، به این صورت که بگوییم: بین اصل و فرع، فرقی نیست جز این مورد، و این مورد نیز در حکم، دخالت ندارد، بنابراین، چون در علت حکم مشترکند، پس در حکم نیز مشترکند. به عبارت دیگر: تنقیح مناط یعنی پاک کردن علت و تعمیم دادن آن (ملکی اصفهانی، ج ۱، ص ۲۵۷).

مثال رایج در لسان فقها و اصولین برای تنقیح مناط، این است: شخصی اعرابی (بادیه‌نشین) نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: من هلاک شدم. حضرت فرمودند: چه چیز تو را هلاک کرد؟ گفت: در روز ماه رمضان، در حال روزه با همسرم نزدیکی کردم. حضرت فرمودند: بنده‌ای آزاد کن<sup>۱۰</sup> (مجلسی، ج ۹۳، ح ۲).

در مورد این روایت، فقها گفته‌اند که اعرابی بودن، ماه رمضان بودن، با همسر شرعی نزدیکی کردن، و... در ظاهر می‌تواند علت حکم (آزادی بنده) باشد، ولی بعد از بررسی و غور فراوان، کشف می‌شود که نه اعرابی بودن خصوصیتی دارد که موجب و علت این حکم باشد و نه ماه رمضان آن سال، خصوصیتی داشته و نه چون با همسرش نزدیکی کرده و... هیچکدام علت و موجب حکم آزادی بنده نبوده است. بنابر این، نتیجه گرفته‌اند: هر کس در روز ماه رمضان با زنی نزدیکی نماید، باید یک بنده آزاد کند.

با این عمل فقها که در طی آن علل ظاهری که مدخلیتی برای آنان در اعتبار حکم تصور نمی‌شود، کنار زده می‌شود و فقط به دنبال دستیابی به علت اصلی پی برده‌اند، آنگاه می‌توانند در مواردی که حکم آن، مجهول می‌باشد ولی علت مکشوف در آنها نیز موجود است، عین حکم را بار نمایند.

به هر حال، در مسئله مورد بحث ما یعنی حرمت استعمال مواد مخدر هم بسیار ی از فقها و بزرگان، در حکم به حرمت این مواد به تنقیح مناط قطعی حکم مسکرات و تعمیم آن به مواد مخدر، پرداخته‌اند. با این توضیح که از ادله حرمت مسکرات، روشن می‌شود که علت حرمت اینها، فقط به عنوان مسکر نمی‌باشد بلکه علت حرمت اینها، آثار و نتایج سوپی می‌باشد که بر فرد و جامعه باقی می‌گذارند، بخصوص آنکه یکی از مصالح پنجگانه - که در اسلام حفظشان بر انسان واجب می‌باشد - یعنی «عقل» را از بین می‌برد و زایل می‌نماید.

<sup>۱۰</sup> - إن رجلاً أتى النبي (ص) فقال هلكتُ. فقال: و ما اهلكك؟ قال؟ أتيت امرأتی في شهر رمضان و انا صائم، فقال له النبي (ص): أعتق رقبةً.



روایاتی نیز در کتب روایی وجود دارد که بیانگر همین مسئله می‌باشد از جمله:

- ۱- علی بن یقطین از امام رضا(ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «همانا خداوند، خمر را به خاطر اسم آن حرام ننموده است، بلکه آن را به دلیل عاقبت و سرانجام آن حرام نموده است، بنابراین هر آنچه که سرانجامش، سرانجام خمر باشد، آن خمر و حرام است»<sup>۱۱</sup> (حر عاملی، ج ۲۵، ص ۳۴۱).
- ۲- از امام صادق (ع) سوال شده است که چرا خداوند خمر را حرام کرده است؟ حضرت فرمودند: خداوند خمر را به علت آثار سوء و خسارتی که دارد، حرام فرموده است<sup>۱۲</sup> (همان، ص ۳۴۳).

از این روایات، فهمیده می‌شود که علت حرمت خمر در نظر شارع، آثار و عوارض سوئی می‌باشد که استعمال آن در پی دارد. امروز از طریق علم و تجربه، ثابت شده است که آثار سوء و ویرانگر مواد مخدر، حتی در بسیاری موارد، شدیدتر و زیان‌بارتر از خمر می‌باشد. بنابراین وقتی علت حرمت خمر در مواد مخدر- حتی بیشتر و نمایان‌تر از خمر- موجود می‌باشد پس باید در حکم آن هم شریک و مساوی باشد. به بیان دیگر، باید حکم حرمت خمر را به مواد مخدر هم تعمیم و سرایت دهیم زیرا مواد مخدر، در علت حرمت خمر - که همان فساد و زوال عقل و آثار زیان‌بار آن باشد - با خمر، مشترک و همسان می‌باشد.

### نتایج:

- ۱- مسئله وجوب جلوگیری از ضرر در فقه شیعه و اهل سنت، به حدی اهمیت دارد که فقها در مواردی مثل روزه با احتمال ضرر، وجوب آن را منتفی دانسته و حتی به حرمت آن فتوا داده‌اند. در مورد مواد مخدر، در جایی که ضرر آن قطعی است به استناد آیات و روایات، به یقین، استعمال آن، حرام خواهد بود.
- ۲- برخی از اقسام مواد مخدر را می‌توان بنا به نظر بعضی فقهای شیعه و سنی، مصداق خمر و مسکرات، محسوب نمود و نهایتاً به حرمت آن حکم کرد.
- ۳- براساس اجماع فقها و علما اسلامی، این نتیجه به دست می‌آید که دست‌کم در استفاده از مواد مخدر در غیر موارد عقلایی آن مانند درمان و نیز هنگامی که برای بدن و عقل ضرر داشته باشد، در حرمت آن اختلاف نظری نیست.
- ۴- سیره و بنا عقلاً در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر، ثابت شده است و این سیره از طرف شارع مقدس نیز رد نشده است، در نتیجه حجیت دارد و باید براساس آن از مواد مخدر اجتناب کرد.
- ۶- در حرمت مواد مخدر نیز می‌توان به تنقیح مناط قطعی حکم حرمت مسکرات و تعمیم آن به مواد مخدر، استفاده نمود.

### فهرست منابع:

#### قرآن کریم

۱. آشتیانی، محمدحسن، بحرال فوائد، کتابخانه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن تیمیه، تقی الدین، الفتاوی الکبری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ق، چاپ اول، ۵ جلد.
۳. حرانی، حسین بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، سال ۶۳.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، چاپ چهارم، داراحیاء التراث العربی، ۲۰ جلد، ۱۳۹۱.
۵. حسینی، سید احمد رضا، (مقاله) نگاه اجمالی به دلایل حرمت استعمال مواد مخدر.
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشر، انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳ ق، بی تا، ۱۴ جلد.
۷. خمینی، سید روح الله، انوار الهدایه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ ه.ق، بی جا، المجلدات ۲.
۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، الطبعة الاولى، بی جا.
۹. شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد، تفسیر لاهیجی، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳ ه.ش، تهران، ۴ جلد.
۱۰. طباطبایی (علامه)، سید حسین، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵، بیروت، المجلدات، ۱۰.
۱۲. طبری، محمد بن حریر، جامع البیان، دارالفکر، المطبه: ۱۴۱۵، بیروت، المجلدات، ۳۰.

۱۱ - قال علیه السلام: ان الله عز و جل لم یحرم الخمر لاسمها ولكن حرمها لعاقبتها فما كان عاقبته الخمر فهو خمر.  
 ۱۲ - ما رواه محمد بن عبدالله عن بعض اصحابنا قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام لم حرم الله الخمر؟ قال حرمها لفسادها.

١٣. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاسلامیه، الطبعة الاولى، ١٤٠٩، بی‌جا، مجلدات ١٠.
١٤. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ١٣٦٤، تهران، ١٤ جلد.
١٥. عاملی، بهاء‌الدین محمدبن حسینی، المخلاه، چاپ بیروت.
١٦. عبدالطیف یاسین، الضار و النافع و تاثیرات المخدرات، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٩٩٣ م.
١٧. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ١٣٧٨ ش.
١٨. قرطبی، ابو عبدالله محمدبن احمد الانصاری، الجامع الاحکام القرآن، مؤسسه التاریخ العربی، المطبعة: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٥، بیروت،  
المجلدات ٢٠.
١٩. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الرفاه، ١٤٠٣ ق، چاپ دوم، ١١٠ جلد.
٢٠. مظفر، محمدرضا، اصول فقه، منشورات فیروزآبادی، الطبعة الثالثة، ١٤٢٢ ق.
٢١. معین، محمد، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ١٣٧٥، چاپ نهم.
٢٢. ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصولی، چاپ اول، پاییز ١٣٧٩، بی‌جا.
٢٣. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث العربی. بی‌تا.